

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان پیش بینی خود تنظیمی هیجانی، براساس سبک- های تربیتی والدین و خلق و خوی نوجوانان بود. روش پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش آموزان متوسطه دوره اول دختر و پسر شهر تهران تشکیل دادند. که بر پایه آمار موجود در سایت آموزش و پرورش شهر تهران، در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷، شامل ۴۹۴۹۰۰ نفر بود. براساس جدول مورگان تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای هدفمند، بعنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش متغیرها از پرسشنامه های تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی (۲۰۰۶)، سبکهای فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) و خلق و خوی باس و پلامین (۱۹۸۴)، استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده های آماری، از آزمون رگرسیون چندگانه، استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد؛ تنظیم شناختی مثبت هیجان براساس ابعاد خلق و خو، قابل پیش بینی نبود. تنظیم شناختی منفی هیجان، ابعاد خلق و خو، و از میان ابعاد خلق و خو، تنها درماندگی و اضطراب بطور مثبت و معنی داری، آن را پیش بینی نمودند. در تنظیم شناختی مثبت هیجان براساس ابعاد روشهای تربیتی، روش تربیتی مقتدرانه بطور مثبت، و مستبدانه بطور منفی و معنی داری آن را پیش بینی کردند. در تنظیم شناختی منفی هیجان براساس ابعاد روشهای تربیتی، روش های تربیتی مقتدرانه و سهل گیر بطور منفی، مستبدانه بطور مثبت و معنی داری تنظیم شناختی منفی هیجان را پیش بینی کردند. تنظیم شناختی مثبت هیجان براساس ابعاد خلق و خو و روشهای تربیتی قابل پیش بینی بود.

کلمات کلیدی: خودتنظیمی، هیجانی، سبک های تربیتی، والدین، خلق و خو

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد رودهن، ایران. ALIREZA_NOURIZADEH@yahoo.com

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا و دانشگاه آزاد رودهن-تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از مهمترین قابلیت های فردی، توانایی در کنترل هیجانات خود است؛ که باید آموخته شود. تنظیم هیجان بعنوان فرایند آغاز، حفظ، تعدیل و یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرایند های اجتماعی- روانی، فیزیکی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می شود. در واقع تنظیم هیجان تنها سرکوب هیجانات نیست؛ و شخص نباید همیشه در یک حالت آرام و ساکن از برانگیختگی هیجانی قرار داشته باشد. بلکه شامل فرایند های نظارت و تغییر تجربه های هیجانی شخص است.

هیجانات دارای کیفیت بالایی هستند؛ و میتوانند باعث واکنش مثبت یا منفی در افراد شوند. بطوریکه اگر متناسب با موقعیت و شرایط باشند؛ سبب واکنش مثبت، و در غیر اینصورت سبب واکنش منفی، می شوند. بنابراین زمانیکه هیجانات شدید یا طولانی می شوند؛ و یا با شرایط سازگار نیستند؛ نیاز به تنظیم است (گراس^۱، ۱۹۹۸: ۱۲۲).

در این میان، تاثیر عوامل ژنتیکی و محیطی، و تفاوت های قومیتی و جنسیتی در ارتباط با مباحث فوق مورد بررسی قرار گرفته است. هیجان ها نوعی ساختارهای روانشناختی هستند. آنها بصورت پدیده های ذهنی، زیستی، هدفمند و اجتماعی وجود دارند. هیجان ها این ۴ جنبه را در یک الگوی همزمان هماهنگ می کنند. خودتنظیمی عبارت از تلاش های سیستماتیک و منظم برای جهت دهی به افکار، احساسات و عملکردهای خود، در مسیر رسیدن به اهداف فردی است. این نظریه، براساس نظریه پردازش اطلاعات بنیان گذاری شده است (توکلی، ۱۳۹۲: ۶۶).

با توجه به اینکه رفتارهای انسان هدفمند است؛ از طریق بازخورد مورد کنترل قرار می گیرد. افراد خودتنظیم گر معمولا اهداف قابل حصول و دست یافتنی برای خود تعیین می کنند.

با توجه به نظریه کارور و شی یر وقتی فرد در مسیر رسیدن به هدف، با مانعی مواجه می شود؛ موقعیت را بازبینی می کند. این بازبینی به افراد کمک می کند تا طرح خود را تغییر داده و اصلاح نمایند. در پی این بازبینی آنها مورد قضاوت قرار می دهد. این قضاوت ها، سطح امیدواری و اطمینان فرد را تشکیل می دهند.

از این رو در تحقیق حاضر، از مباحث خودتنظیمی هیجانی، ویژگی های افراد خودتنظیم گر و غیر خودتنظیم گر، نظریه های خودتنظیمی بندورا، کارور شی یر، باتلر و واین، پنتریچ، نقش خانواده، انتخاب روش مناسب برای تربیت کودک و میزان تاثیرپذیری کودکان از خانواده، با توجه به سبک های تربیتی والدین که شامل: مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیر است؛ استفاده شده است.

طرح مساله:

تربیت و سبک های تربیتی از جمله مواردی هستند؛ که می توانند در بهداشت روانی فرزندان و جامعه ، تاثیرگذار باشند. از آن جایی که آسیب های روحی و جسمی در نوجوانان همواره وجود داشته است؛ و این آسیب ها بصورت تنبیه های بدنی و کلامی در موارد متعددی، در انظار عمومی، مدارس و یا خانواده ها نمایان می شود؛ لذا این مساله دغدغه سالهای متمادی برای نگارنده بوده است؛ تا در نهایت آنرا بصورت آکادمیک و آماری مورد بررسی قرار دادم.

از این رو برای دستیابی به نتایج و راهکارهای عملی و قابل استناد به بیان اصول صحیح سبک های تربیتی، خلق و خو و کنترل هیجان و همچنین آسیب شناسی آنها اقدام نمودم.

بنابراین ابعاد خلق و خو (مانند: درماندگی و اضطراب) ، سبک های تربیتی (مستبدانه، سهل گیر و مقتدرانه) و تنظیم هیجان (تنظیم شناختی مثبت و منفی) را بعنوان مساله زمینه ای مورد تبیین قرار دادم. در پایان محقق به دنبال این سوال است که آیا تنظیم هیجان، براساس سبک های تربیتی و ابعاد خلق و خو قابل پیش بینی است یا نه؟

چهارچوب نظری:

باتوجه به موضوع مورد مطالعه به دیدگاه های نظری پرداخته می شود:

نظریه باتلر و واین: آنها اعتقاد دارند که خودتنظیمی هیجانی از یکسری وقایع ارادی و غیرارادی تشکیل شده است؛ که بوسیله چرخه اطلاعات مورد پردازش قرار می گیرد. افراد در طی این فرآیند به کسب دانش می پردازند؛ که مبنای تفسیر عملکردها است.

نظریه پتريچ: دیدگاه شناختی اجتماعی پتريچ شامل ۴ مرحله است:

برنامه - خودنظارتی - کنترل - بازبینی و ارزشیابی

این ۴ مرحله توالی عمومی وجود دارد. بعبارت دیگر ساختار خطی ندارند. الگوی خودتنظیمی فوق، ۳ مقوله کلی راهبردی را در برمیگیرد:

۱- راهبردهای شناختی یادگیری

۲- راهبردهای خودگردانی جهت کنترل شناخت

۳- راهبردهای مدیریت منابع شامل راهبردهای شناختی و فراشناختی

خانواده اولین نهاد در شکل‌گیری شخصیت انسان می‌باشد. دکتر باقر ساروخانی اعتقاد دارد؛ کودک در دامان مادر احساس آرامش می‌کند. یا از نگاه کردن به رفتار مادر می‌آموزد. الفبای حیات از جمله شهروندی و دموکراسی را مادر به او می‌آموزد (لیبی، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

در پژوهش حاضر بر نقش خانواده که بسیار مهم و اثرگذار می‌باشد؛ تاکید فراوان شده است. و این، وجه تمایز آن با سایر تحقیقات در این مقوله است. دکتر باقر ساروخانی اعتقاد دارد؛ کودک در دامان مادر احساس آرامش می‌کند. یا از نگاه کردن به رفتار مادر می‌آموزد. الفبای حیات از جمله شهروندی و دموکراسی را مادر به او می‌آموزد.

به اعتقاد دکتر خدیجه سفیری، هنگامیکه مردان و زنان، پدر و مادر می‌شوند؛ نقش‌هایی نو می‌پذیرند که باید در کنار نقش‌های دیگر به ایفای آن پردازند.

آنچه که در این زمینه آشکارا دیده می‌شود؛ تفاوت‌های نقش بر پایه‌ی جنسیت و در رابطه آنان با فرزندان است.

به اعتقاد دکتر شهلا اعزازی، وجود علاقه در میان والدین برای اجتماعی کردن صحیح و مناسب کودکان ضروری بوده است.

-در اثر جامعه‌پذیری، نقش جنسیتی که در خانواده رخ می‌دهد؛ دختر و پسر، هر یک با هنجارهای جنسیتی -هنجارهای زنانه یا مردانه- اجتماعی می‌شوند.

از آنجاییکه بسیاری از این هنجارها از گذشته به میراث رسیده‌اند؛ در جامعه‌ی فعلی اهمیت چندانی ندارند. مثلاً یک مرد نباید الزاماً «عضلانی» و «قوی» باشد. و یک زن حتماً نباید احساساتی باشد. یا «لطف» و «ظرافت» داشته باشد.

-رفتار اجتماعی مریبان و اطرافیان نیز بر کودکان تاثیر می‌گذارد. حتی باید گفت رفتار والدینی که به برابری دختر و پسر اعتقاد دارند نیز، ناآگاهانه به صورت تفاوت‌های جنسیتی پدید می‌آید. بررسی‌ها و آزمایش‌های متعدد روانشناسی مشخص کرده‌اند؛ که پدر و مادر از همان لحظه‌ی تولد، نسبت به کودک دختر یا پسر تفاوت‌های رفتاری نشان می‌دهند.

به اعتقاد دیوید چیل، زنان شاغل زمانیکه بچه دار می‌شوند؛ سعی می‌کنند زمان مفید در کنار کودک بودن را ارزشمند بدانند و صرفاً طول زمان را ملاک عمل قرار ندهند.

در واقع آنها معتقدند اگرچه در طول روز از کودکان خود دور هستند؛ و آنها را نمی‌بینند؛ اما در زمان کوتاهی که در کنار آنها هستند؛ تاثیر فوق‌العاده‌ای بر آنان خواهند داشت. و این کیفیت بالا، آن کمیت پایین را جبران می‌کند.

باید بدانیم الگوی مرد بودن، یعنی کسی که نان آور خانواده و تامین کننده ی اصلی نیازهای مالی آن است؛ مردان را از مشارکت در پرورش و تربیت فرزندان معاف دانسته یا آنرا بسیار محدود می کند. اگرچه این الگو در دنیای امروز مانند گذشته رواج ندارد (لیبی، ۱۳۹۳: ۵۹۳)

- امروزه با اطمینان می توان گفت؛ مشارکت مردان در امور خانه و تربیت فرزندان رو به افزایش است.
- به اعتقاد اریک وایدمر، والدین در تعیین نقش و میزان تاثیر بر فرزندان اهمیت زیادی دارند.
همچنین وی اضافه می کند؛ از دیدگاه روانشناختی اگر افراد در طی دوران کودکی، مورد لطف و محبت پدر و مادر قرار گیرند؛ و رابطه ی صمیمانه و دوستانه با آنها داشته باشند؛ این احتمال قوت می گیرد که آنها نیز در زندگی بزرگسالی شان پدر یا مادر موفق باشند.
اگرچه نمی توان برای این مساله، قانون یا قاعده ی قطعی ارائه نمود؛ اما در هر حال شرایط فرد در دوران کودکی، نقش مهمی در رفتارهای آینده او ایفا می کند.
به اعتقاد اولریک زارتلر وظیفه ی نگهداری از کودکان بر عهده ی زنان است. مردان تنها در انجام وظیفه ای که مربوط به آنهاست «کمک» می کنند.
کودکانی که در معرض بدرفتاری و خشونت جنسی قرار دارند؛ در برابر بیان این مساله سکوت می کنند؛ چون این را به نفع خود نمی دانند.

در بحث تغییرات خانواده، جنسیت دارای اهمیت است. چرا که روابط قدرت در خانواده، حالتی جنسیتی دارد. و تحول نقش زنان به شدت بر تحولات روابط درون خانواده، اثرگذار بوده است.
همین موضوع باعث شده است تا نقش فرزندان در زندگی خانوادگی نیز متحول شود. در گذشته فرزندان نقش چندانی در تصمیمات مهم خانوادگی نداشتند. اما امروزه نه تنها در اموری مانند انجام دادن کارهای شخصی دارای اختیار هستند؛ بلکه حتی نظر آنان در تصمیم گیری های مهم خانواده، مانند خرید خانه یا اتومبیل مورد توجه قرار می گیرد (لیبی، ۱۳۹۳-۲۵۳)

جامعه پذیری: زمانی روی می دهد؛ که بزرگسالان آنچه را که کودکان باید درباره هیجان بدانند؛ به آنها بگویند. بزرگسالان به منظور آموزش اطلاعات جامعه پذیری به کودکان با آنها تعامل می کنند (پولاک و توئیس، ۱۹۸۹: ۳۵۲).

کودکان نیز یاد می گیرند که یک هیجان اصلی را می توان بصورت هیجانهای خاص متمایز کرد (دانش هیجان)

برخی جلوه های هیجان را می توان کنترل کرد (مدیریت ابراز هیجان) و هیجان های منفی را می توان به هیجان های خنثی یا حتی مثبت تبدیل کرد (کنترل هیجان)

رابطه والدین تاثیر بسزایی در شکل گیری شخصیت کودکان دارد(جهانفر، ۱۳۸۹: ۱۸۰). زیرا در طی دورانی که شخصیت کودکان تکوین می یابد؛ آنها از والدین خود الگوبرداری می کنند. از آنجاییکه والدین تا سن ۲۱ سالگی وظیفه مراقبت و حمایت از رشد و تکامل فرزندان را برعهده دارند؛ نقش خانواده بسیار مهم و اساسی می باشد. نکته حائز اهمیت اینکه، ۷ سال ابتدای زندگی، برای کودکان دورانی سرنوشت ساز را رقم می زند(لیبرت و اسپیگلر، ۱۹۹۹: ۲۱۸، عابدینی، ۱۳۹۴: ۱۶۷)

به اعتقاد دکتر شهلا اعزازی، وجود علاقه در میان والدین برای اجتماعی کردن صحیح و مناسب کودکان ضروری بوده است. (لیبی، ۱۳۹۳: ۳۰۴)

-در اثر جامعه پذیری، نقش جنسیتی که در خانواده رخ می دهد؛ دختر و پسر، هر یک با هنجارهای جنسیتی هنجارهای زنانه یا مردانه - اجتماعی می شوند.

از آنجاییکه بسیاری از این هنجارها از گذشته به میراث رسیده اند؛ در جامعه ی فعلی اهمیت چندانی ندارند. مثلا یک مرد نباید الزاما «عضلانی» و «قوی» باشد. و یک زن حتما نباید احساساتی باشد. یا «لطافت» و «ظرافت» داشته باشد.

خانواده گسسته: در اینگونه خانواده ها، جدایی والدین، اختلافات خانوادگی، و یا مرگ یکی از آنها غم و اندوه فراوانی برای کودکان به همراه دارد؛ که شامل اضطراب آزاردهنده، ترس شدید، و یا احساس حقارت و ناامنی می باشد. (شاملو، ۱۳۹۰: ۱۳۹)

از طرفی اختلافات خانوادگی لزوما باعث ایجاد اختلالات روانی و رفتاری در کودکان نمی گردد. زیرا بسیاری از آنها با وجود روابط ناخوشایند در درون خانواده، توانسته اند بخوبی با محیط سازش حاصل کرده؛ و زندگی نسبتا آرام و سالمی داشته باشند.

خلق و خو:

عبارتست از تفاوت های فردی تقریبا باثبات، در خودگردانی و تحریک پذیری، که از همان ابتدای زندگی آشکار می شود(رات بارت، ۲۰۰۴: ۷۴۹).

تصور می شود صفات روانشناختی که خلق و خو را بوجود می آورند؛ شالوده شخصیت بزرگسالی را تشکیل می دهند. پژوهش ها نشان می دهند که با افزایش سن، خلق و خو، ثبات بیشتری کسب می کند.

با توجه به مدل ارائه شده توسط توماس و چس در رابطه با ساختار خلق و خو، در نهایت ویژگی های ۳ تپ شخصیت برای کودکان بدست آمد.

-کودک راحت خود را با شرایط موجود به راحتی وفق می دهد.

-کودک دشوار به شرایط موجود، واکنش منفی و شدید نشان می دهد.

-کودک کندجوش به محرک های محیطی، واکنش ملایم و کند نشان می دهد.

فرزندپروری:

به اعتقاد اریک وایدمر، والدین در تعیین نقش و میزان تاثیر بر فرزندان اهمیت زیادی دارند (لیبی، ۱۳۹۳: ۷۶۴). همچنین وی اضافه می کند؛ از دیدگاه روانشناختی اگر افراد در طی دوران کودکی، مورد لطف و محبت پدر و مادر قرار گیرند؛ رابطه ی صمیمانه و دوستانه با آنها داشته باشند؛ این احتمال قوت می گیرد که آنها نیز در زندگی بزرگسالی شان پدر یا مادر موفق باشند.

دایانا بامریند در پژوهش هایی که بر روی تعامل والدین و فرزندان انجام داد، ۳ سبک فرزندپروری را معرفی کرد: سبک مقتدرانه، سبک مستبدانه، سبک سهل گیر والدین مقتدر، رفتار منطقی، گرم، صمیمی و عادلانه با کودک دارند. والدین مستبد، سخت گیرانه و تحکم آمیز رفتار می کنند. و او باید بی چون و چرا اوامر را بپذیرد. والدین سهل گیر، فرزندان را کنترل نمی کنند. توقعی از آنان ندارند؛ و گرم و بامحبت رفتار می کنند.

به اعتقاد دیوید چیل، زنان شاغل زمانیکه بچه دار می شوند؛ سعی می کنند زمان مفید در کنار کودک بودن را ارزشمند بدانند و صرفاً طول زمان را ملاک عمل قرار ندهند. در واقع آنها معتقدند اگرچه در طول روز از کودکان خود دور هستند؛ و آنها را نمی بینند؛ اما در زمان کوتاهی که در کنار آنها هستند؛ تاثیر فوق العاده ای بر آنان خواهند داشت. و این کیفیت بالا، آن کمیت پایین را جبران می کند.

باید بدانیم الگوی مرد بودن، یعنی کسی که نان آور خانواده و تامین کننده ی اصلی نیازهای مالی آن است؛ مردان را از مشارکت در پرورش و تربیت فرزندان معاف دانسته یا آنرا بسیار محدود می کند. اگرچه این الگو در دنیای امروز مانند گذشته رواج ندارد (لیبی، ۱۳۹۳: ۵۹۳)

-امروزه با اطمینان می توان گفت؛ مشارکت مردان در امور خانه و تربیت فرزندان رو به افزایش است. به اعتقاد اولریک زارتلر وظیفه ی نگهداری از کودکان بر عهده ی زنان است. مردان تنها در انجام وظیفه ای که مربوط به آنهاست «کمک» می کنند.

فرضیه های پژوهش

- فرضیه اول: تنظیم شناختی مثبت هیجان براساس ابعاد خلق و خو قابل پیش بینی است.
- فرضیه دوم: تنظیم شناختی منفی هیجان براساس ابعاد خلق و خو قابل پیش بینی است.
- فرضیه سوم: تنظیم شناختی مثبت هیجان براساس ابعاد روشهای تربیتی قابل پیش بینی است.
- فرضیه چهارم: تنظیم شناختی منفی هیجان براساس ابعاد روشهای تربیتی قابل پیش بینی است.
- فرضیه پنجم: تنظیم شناختی مثبت هیجان براساس ابعاد خلق و خو و روشهای تربیتی قابل پیش بینی است.
- فرضیه ششم: تنظیم شناختی منفی هیجان براساس ابعاد خلق و خو و روشهای تربیتی قابل پیش بینی است.

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر، توصیفی از نوع همبستگی می باشد.

جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش آموزان دختر و پسر متوسطه دوره اول و دوم، شهر تهران تشکیل دادند؛ که بر پایه آمار موجود در سایت آموزش و پرورش شهر تهران، در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷، شامل ۴۹۴۹۰۰ نفر بود.

براساس جدول مورگان، تعداد ۳۸۴ نفر، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای هدفمند، انتخاب شدند. به این شیوه که ابتدا شهر تهران به ۵ قسمت جغرافیایی شامل: شمال، جنوب، شرق، غرب، مرکز، تقسیم‌بندی شد؛ تا این اطمینان حاصل شود؛ که تمام قسمت‌های شهر با بافت فرهنگی و اجتماعی خاص خود؛ در نمونه‌گیری شرکت داده شوند؛ و سوگیری نمونه‌گیری کاهش یابد. سپس از هر قسمت جغرافیایی، با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، دو ناحیه آموزشی، از منطقه بندی ۵ گانه انتخاب شد؛ یعنی در مجموع ۱۰ ناحیه آموزشی در سطح شهر تهران انتخاب شد. از نواحی آموزشی به تصادف، مدارس (۲ مدرسه از متوسطه اول و دوم) و از مدارس، به تصادف کلاس‌ها، انتخاب شدند. در نهایت حجم نمونه به ۳۸۴ نفر رسید. در تمام ناحیه‌های انتخاب شده مدارس متوسطه اول و دوم دخترانه و پسرانه در مطالعه وارد شدند.

ابزار پژوهش شامل پرسشنامه های ذکر شده می باشد:

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی یا پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان (CERQ) توسط گارنفسکی و همکارانش (۲۰۰۶) در کشور هلند تدوین شده است. این پرسشنامه چندبعدی، یک ابزار خودگزارشی است؛ و از ۳۶ ماده و ۹ خرده مقیاس تشکیل شده است. پایایی آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ بدست آوردند. نسخه فارسی پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجانی، در فرهنگ ایرانی توسط حسنی، مورد هنجاریابی قرار گرفته است.

پرسشنامه سبکهای فرزندپروری بامریند: دایانا بامریند از دانشگاه کالیفرنیا، در سال ۱۹۷۳ این پرسشنامه را در ابتدا بصورت ۴۸ سوالی تهیه کرد؛ که در نهایت با نظر متخصصین روانشناسی تربیتی و جامعه شناسی برای سه دیدگاه فرزندپروری وی، ۳۰ سوال در مقیاس نهایی جای گرفت. این پرسشنامه توسط غلامرضا اسفندیاری (۱۳۷۴) ترجمه و هنجاریابی شد. میزان پایایی سهل گیرانه ۰/۶۹، استبدادی ۰/۷۷ و دموکراتیک ۰/۷۳ بدست آمده است. (مژگانیان، ۱۳۸۹). مهرافروز در پژوهش خود، میزان اعتبار این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ بدست آورد.

پرسشنامه خلق و خو (EAS) توسط باس و پلامین (۱۹۸۴) طراحی شده است. این پرسشنامه شامل ۱۵ سوال و ۵ بعد می باشد: سطح جامعه پذیری، سطح فعالیت، درماندگی، اضطراب و خشم.

- روش تجزیه و تحلیل داده ها

متغیرهای مورد مطالعه، در دو قسمت آمار توصیفی و آمار استنباطی بررسی شدند. از جداول توزیع فراوانی ها، میانگین، انحراف استاندارد، کجی و ... رسم نمودارها، و برای آزمون فرضیه های پژوهش، از آزمون رگرسیون چندگانه، جهت تجزیه و تحلیل فرضیه ها استفاده شد.

در این فصل تحلیل داده ها، در دو بخش توصیف و غربالگری و آزمون فرضیه ها ارائه شده اند. در بخش اول متغیرها با شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی، توصیف و غربالگری شده اند.

در بخش دوم، فرضیه ها با آزمون رگرسیون ساده و چندگانه عادی^۱ بررسی شده اند. طبیعی بودن متغیرها، براساس قرار گرفتن مقدار کجی، در دامنه دو انحراف معیار، و آزمونهای نرمال بودن بررسی شده است. گرچه نتایج این دو روش می تواند مغایر هم باشند؛ با اینحال، تصمیم نهایی در حذف، یا نگه داشتن نمرات

^۱ Ordinary linear regression

پرت براساس مقادیر پرت چند متغیری، با روش فاصله ماهالانوبیس و تکرار در متغیرها، و در صورت موجود بودن بصورت حذف موردی، از تحلیل کنار گذاشته شده اند.

بمنظور گزارش اندازه های اثر، از مقدار مجذور ضرایب همبستگی نیمه تفکیکی استفاده شد. تمام پیش فرض های رگرسیون، مانند نرمال بودن چند متغیری، نرمال بودن باقی مانده ها، مستقل بودن خطاها (آزمون دوربین - واتسون) و عدم خطی بودن چندگانه، بررسی و گزارش شده اند.

جدول ضرایب رگرسیون رابطه ابعاد خلق و خو و روشهای تربیتی با تنظیم شناختی مثبت هیجان

همخطی بودن	همبستگی	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	t	معنی داری	ضرایب غیر استاندارد		نیمه تفکیکی
						خطای معیار	B	
VIF	تحمل	Beta	خطای معیار	t	معنی داری	خطای معیار	B	نیمه تفکیکی
			۷,۹۳۰	۱,۴۲۷	۰.۱۵۵		۱۱,۳۱۴	ثابت
۱,۱۳۹	۰.۸۷۸	۰.۳۳۴	۰.۱۳۸	۶,۳۵۵	۰.۰۰۱		۰.۸۸۰	مقتدرانه
۱,۱۱۳	۰.۸۹۹	-۰.۳۰۶	۰.۱۲۴	-۵,۸۹۲	۰.۰۰۱		-۰.۷۲۸	مستبدانه
۱,۰۸۲	۰.۹۲۵	۰.۰۳۳	۰.۱۱۰	۰.۶۵۱	۰.۵۱۶		۰.۰۷۲	سهل گیر
۱,۲۲۸	۰.۸۱۴	-۰.۰۰۱	۰.۳۰۶	-۰.۰۲۷	۰.۹۷۹		-۰.۰۰۸	اجتماعی بودن
۱,۵۷۰	۰.۶۳۷	-۰.۰۲۱	۰.۲۹۷	-۰.۳۴۶	۰.۷۳۰		-۰.۱۰۳	فعالیت
۲,۱۱۲	۰.۴۷۳	-۰.۱۴۰	۰.۳۲۳	-۱,۹۵۵	۰.۰۵۱		-۰.۶۳۱	درماندگی
۲,۰۳۴	۰.۴۹۲	۰.۰۷۵	۰.۳۰۹	۱,۰۶۴	۰.۲۸۸		۰.۳۲۹	اضطراب
۱,۷۱۲	۰.۵۸۴	۰.۰۹۴	۰.۲۹۲	۱,۴۵۶	۰.۱۴۶		۰.۴۲۵	خشم

فصلنامه پژوهش اجتماعی. سال دوازدهم. شماره چهل و هفتم. تابستان ۱۳۹۹

جدول ضرایب رگرسیون رابطه ابعاد خلق و خو و روشهای تربیتی با تنظیم شناختی منفی هیجان

VIF	همخطی بودن تحمل	همبستگی نیمه تفکیکی	معنی داری	t	ضرایب استاندارد		ثابت
					Beta	B	
			۰.۱۸۲	۱,۳۳۸		۹,۹۱۹	۱۳,۲۶۹
۱,۱۳۹	۰.۸۷۸	-۰.۳۱۹	۰.۰۰۱	-۶,۶۴۴	-۰.۳۴۱	۰.۱۷۳	-۱,۱۵۱
۱,۱۱۳	۰.۸۹۹	۰.۳۱۴	۰.۰۰۱	۶,۵۴۵	۰.۳۳۲	۰.۱۵۵	۱,۰۱۲
۱,۰۸۲	۰.۹۲۵	-۰.۱۰۵	۰.۰۲۹	-۲,۱۹۰	-۰.۱۰۹	۰.۱۳۸	-۰.۳۰۲
۱,۲۲۸	۰.۸۱۴	-۰.۰۵۵	۰.۲۴۹	-۱,۱۵۴	-۰.۰۶۱	۰.۳۸۲	-۰.۴۴۱
۱,۵۷۰	۰.۶۳۷	-۰.۰۸۴	۰.۰۸۳	-۱,۷۴۱	-۰.۱۰۵	۰.۳۷۲	-۰.۶۴۷
۲,۱۱۲	۰.۴۷۳	۰.۰۶۴	۰.۱۸۰	۱,۳۴۳	۰.۰۹۴	۰.۴۰۴	۰.۵۴۳
۲,۰۳۴	۰.۴۹۲	-۰.۰۲۶	۰.۵۸۶	-۰.۵۴۵	-۰.۰۳۷	۰.۳۸۶	-۰.۲۱۱
۱,۷۱۲	۰.۵۸۴	۰.۰۰۴	۰.۹۳۳	۰.۰۸۴	۰.۰۰۵	۰.۳۶۵	۰.۰۳۱

باتوجه به فرضیه ارائه شده و آزمون فرضیه ها، پس از تجزیه و تحلیل داده ها نتایج نشان می دهند؛ بعد تربیتی مستبدانه و بعد خلق و خوی درماندگی، با تنظیم شناختی مثبت هیجان، رابطه معکوس دارند. همچنین روش تربیتی مستبدانه و خلق درمانده و خشمگین ابعاد منفی تنظیم شناختی هیجان را پیش بینی می کنند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی خودتنظیمی هیجانی، براساس سبک های تربیتی والدین، و خلق و خوی نوجوانان انجام شد. براساس یافته های حاصل از پژوهش حاضر، تنظیم شناختی مثبت هیجان براساس ابعاد خلق و خو قابل پیش بینی نبود.

در ادامه، نتایج نشان دادند؛ تنظیم شناختی منفی هیجان، براساس ابعاد خلق و خو قابل پیش بینی است. از میان متغیرهای پیش بین، تنها درماندگی و اضطراب، بطور معناداری تنظیم شناختی منفی هیجان را پیش بینی می کنند. رابطه میان تنظیم شناختی منفی هیجان، با اضطراب، و سطح درماندگی، مثبت است.

یافته های دیگر نشان دادند؛ تنظیم شناختی مثبت هیجان، براساس ابعاد روشهای تربیتی قابل پیش بینی است. از میان متغیرهای پیش بین، تنها روش تربیتی مقتدرانه و مستبدانه بطور معناداری تنظیم شناختی مثبت هیجان را پیش بینی می کنند. رابطه میان تنظیم شناختی مثبت هیجان، با روش مقتدرانه مثبت، و با روش مستبدانه، منفی است.

همچنین یافته ها نشان دادند؛ تنظیم شناختی منفی هیجان، براساس ابعاد روشهای تربیتی، قابل پیش بینی است. از میان متغیرهای پیش بین، هر سه روش تربیتی مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیر بطور معناداری تنظیم شناختی منفی هیجان را پیش بینی می کنند. رابطه میان تنظیم شناختی منفی هیجان، با روش مقتدرانه و سهل گیر، منفی و با روش مستبدانه، مثبت است.

نتایج دیگر حاکی از آن بود؛ که تنظیم شناختی مثبت هیجان براساس ابعاد خلق و خو، و روشهای تربیتی، قابل پیش بینی است. از میان متغیرهای پیش بین روشهای تربیتی، تنها روش تربیتی مقتدرانه و مستبدانه، و از میان خلق و خو، درماندگی بطور معناداری تنظیم شناختی مثبت هیجان را پیش بینی می کند. رابطه میان تنظیم شناختی مثبت هیجان، با روش مقتدرانه، مثبت و با روش مستبدانه و درماندگی، منفی است.

یافته های دیگر چنین تبیین می کنند؛ که تنظیم شناختی منفی هیجان، براساس ابعاد خلق و خو و روشهای تربیتی، قابل پیش بینی است. از میان متغیرهای پیش بین روشهای تربیتی، تنها روش های تربیتی مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیر بطور معناداری تنظیم شناختی منفی هیجان را پیش بینی می کنند. رابطه میان تنظیم شناختی منفی هیجان، با روش مستبدانه، مثبت و با روش مقتدرانه و سهل گیر، منفی است.

در راستای نقش سبک های تربیتی، در پیش بینی خود تنظیمی هیجانی، نتایج بدست آمده، با نتایج پژوهش های فرنودیان و همکاران (۱۳۹۲)، کشاورزی ارشدی (۱۳۹۶)، رحیم خانی (۱۳۹۶)، نجاتی و مهدی یار (۱۳۹۴)، ویسکرمی و همکاران (۱۳۹۳)، حسینی و سامانی (۱۳۹۱)، ولدان و هاشمی (۱۳۹۰)، موحدی راد (۱۳۹۲)، کمالی و ابوالمعالی الحسینی (۱۳۹۴) و وانگ (۲۰۰۸)، که همگی مؤید نقش خانواده، شیوه های تربیتی والدین، و فرآیندهای ارتباطی خانواده، در میزان تنظیم هیجان فرزندان هستند؛ همسوئی دارد.

براساس نتایج حاصل از مطالعات پیشین، مهارت‌های تنظیم هیجان، تحت تأثیر رابطه والد-کودک در سال‌های اولیه کودکی (عسگرپور، کربلایی محمد میگونی و تقی لو، ۱۳۹۴) (ساروخانی و لیبی، ۱۳۹۳) و فرآیندهای ارتباطی خانواده (کمالی ایگلی و ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۵) (دیوید چیل و اریک وایدمر) قرار دارد. در واقع خانواده می‌تواند باعث بوجود آمدن مشکلات هیجانی، و تنظیم هیجان باشد (صالحی، باغبان، بهرامی و احمدی، ۱۳۹۰).

در نتیجه از یافته‌های فوق چنین استنباط می‌شود که روش تربیتی مقتدرانه در تنظیم شناختی هیجان نقش مثبت، و در تنظیم شناختی منفی هیجان، نقش منفی دارد.

در روش فرزندپروری مستبدانه فرزندان ویژگی‌هایی مانند مقصر دانستن خود، نشخوار فکری، مصیبت بار تلقی کردن رخدادها را کسب می‌کنند.

در روش تربیتی سهل‌گیرانه فرزندان، احساس بودن و درک شدن در جمع دارند. و این امر نوجوان را به واکنش‌های خودتنظیمی، مانند راهبردهای مثبت تنظیم هیجان مجهز می‌کند.

بررسی‌ها و آزمایش‌های متعدد روانشناسی مشخص کرده‌اند؛ رفتار والدینی که به برابری دختر و پسر اعتقاد دارند نیز، ناآگاهانه به صورت تفاوت‌های جنسیتی آشکار می‌شود؛ و پدر و مادر از همان لحظه‌ی تولد، نسبت به کودک دختر یا پسر تفاوت‌های رفتاری نشان می‌دهند.

نتایج بدست آمده از پژوهش‌ها در ارتباط با ابعاد خلق و خو، نشان دادند؛ ۲ بعد اضطراب و درماندگی بطور معناداری تنظیم شناختی منفی هیجان را پیش‌بینی می‌کند.

در راستای انجام این پژوهش محدودیت‌هایی مانند جمع‌آوری اطلاعات، صرفاً از طریق پرسشنامه و همچنین عدم کنترل برخی از متغیرهای مزاحم مانند موقعیت اجتماعی و اقتصادی، وجود داشت.

به همین دلیل پیشنهاد می‌شود؛ برای ارتقاء کیفیت پژوهش حاضر از روش‌هایی مانند مصاحبه ساختار دار و بی ساختار، استفاده شود. همچنین پژوهش در نمونه‌ای وسیع‌تر انجام گیرد.

در ضمن اجرای کارگاه‌های آموزشی در زمینه شیوه‌های فرزندپروری توسط متخصصان، مفید فایده بنظر می‌رسد.

منابع فارسی

اعزازی، شهلا. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. نشر روشنگران و مطالعات زنان

توکلی، ز. (۱۳۹۲). پیش‌بینی شادکامی براساس متغیرهای تنظیم هیجانی و خودتنظیمی دانشجویان دانشگاه الزهراء. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.

حسینی میترا، سامانی سیامک. (۱۳۹۱). ارتباط ابعاد کارکرد خانواده و خودتنظیمی فرزندان. خانواده پژوهی، دوره ۸، شماره ۳۱؛ از صفحه ۳۰۵ تا صفحه ۳۱۷.

دلاور علی. (۱۳۹۸). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. نشر ویرایش.

رحیم‌خانی، زینب. (۱۳۹۶). پیش‌بینی خودتنظیمی هیجانی براساس فرایندهای ارتباطی خانواده و تحمل‌پذیری دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رودهن.

فرنودیان پریسا، اسدزاده حسن، ابراهیمی قوام صغری. (۱۳۹۲). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی و خودتنظیمی و مقایسه آن در دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند. علوم رفتاری: تابستان ۱۳۹۲، دوره ۵، شماره ۱۶؛ از صفحه ۹۹ تا صفحه ۱۲۰.

ریو، جان مارشال. (۱۳۸۲). انگیزش و هیجان. ترجمه سید محمدی، یحیی. تهران: نشر ویرایش.

شاملو، سعید (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی روانی، تهران، انتشارات رشد

کمالی، سمیه، ابوالمعالی الحسینی، خدیجه. (۱۳۹۵). پیش‌بینی راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان بر اساس فرایندهای ارتباطی خانواده و کمال‌گرایی در دختران نوجوان دبیرستانی. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، دوره ۱۰، شماره ۳، ۳۱۰-۲۹۱.

کشاوری ارشدی، فرناز. (۱۳۹۶). تاثیر مهارت آموزی فرزند پروری ذهن آگاهانه بر خودتنظیمی هیجانی و بهزیستی روانی مادران. *کنگره انجمن روانشناسی ایران. انجمن روانشناسی ایران.*

لیبی، محمد مهدی، خانواده در قرن بیست و یکم از نگاه جامعه شناسان ایرانی و غربی (تهران: نشر علم، چاپ اول، سال ۱۳۹۳

مژگانیان، و. (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین حالات هویت یابی دختران نوجوان دبیرستانهای تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.

موحدی راد، هانیه. (۱۳۹۲). نقش میانجی خودتنظیمی هیجانی در رابطه بین جو عاطفی خانواده و مهارتهای اجتماعی نوجوانان: آزمون یک الگوی علی تحولی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

ولدان، سامره، هاشمی، لادن (۱۳۹۵). سبک های والدگری و تاب آوری: نقش واسطه ای خودتنظیمی شناختی هیجان، کنگره بین المللی مطالعات رفتاری جامعه و سبک زندگی سالم، تهران، مرکز توانمندسازی مهارتهای فرهنگی و اجتماعی جامعه.

ویسکرمی، حسنعلی، سبزیان، سعیده، پیرجاوید، فاطمه، گراوند، هوشنگ. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین ادراک از سبک های فرزندپروری با راهبردهای یادگیری خودتنظیمی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۲(۵)، ۸۱-۹۴

منابع انگلیسی

- Bostrom, P., Broberg, M., Hwang, C. P.(۲۰۱۰).Different, Difficult or Distinct? Mothers' and Fathers' Perceptions of Temperament in Children with and without Intellectual Disabilities. *Journal of Intellectual Disability Research*, ۵۴(۹):۸۰۶-۸۱۹
- Butler, D.L. & winne, p.H. (۱۹۹۵). Feedback and self-regulated learning. A theoretical synthesis. *Review of Educational*.
- Carnes- Holt, k. (۲۰۱۲). Child- parent relationship therapy for adoptive families. *Family Journal*, ۴, ۴۱۹- ۴۲۶ .
- Gondia, N. & Urdan, T. (۲۰۰۶). Parental influences on student motivation, affect and academic behavior: introduction to the special issue. *European Journal of psychology of Education*, xxII, ۳-۶.

Predicting of emotional self-regulation based on Parenting Styles and Temperament among secondary students in Tehran

Alireza Nourizadeh^۱, Kiyanoosh Hashemiyan^۲

Abstract

The purpose of the present study was to predict emotional self-regulation based on parenting styles and adolescent temperament. The research method was descriptive-correlational. The statistical population of this study consisted of first grade male and female high school students in Tehran, which were ۴۹۴۹۰۰ students based on the statistics available in Tehran Education site during the academic year ۲۰۱۸-۲۰۱۹. According to Morgan table, ۳۸۴ students were selected by purposeful multistage cluster sampling method. Emotional Self Regulation questionnaires were used by Jijan Garnefsky (۲۰۰۶), Baumrind parenting styles (۱۹۷۳) and Bass and Palamin (۱۹۸۴). Multiple regression was used to analyze the statistical data. The results showed that positive cognitive emotion regulation was not predictable based on temperament dimensions. Negative cognitive emotional regulation was predictable based on temperament dimensions. Among temperament dimensions, only helplessness and anxiety positively and significantly predicted negative cognitive emotional regulation. Positive emotional regulation was predictable based on the dimensions of training methods. The authoritative training method positively and training negatively and significantly predicted positive cognitive emotional regulation. Negative emotional regulation was predictable based on the dimensions of training methods. Authoritative and facilitative training methods negatively, arbitrarily positively and significantly predicted negative cognitive emotional regulation. Positive cognitive emotional regulation was predictable based on temperament dimensions and training methods. The authoritative and authoritative training methods and helplessness significantly predicted positive cognitive emotion regulation. Negative cognitive emotional regulation was predictable based on temperament dimensions and training methods. Authoritative, authoritarian and arbitrarily training methods significantly predicted negative cognitive emotional regulation.

Keywords: emotional, self-regulation, parenting styles, temperament

^۱ M.A. In Islamic Azad University Of Roudehen, Psychology Faculty Department. Tehran. Iran

^۲ Professor Of Islamic Azad University, Roudehen Branch, Roudehen, Iran